



Qualitative evaluation of the Arabic translation of the varieties and cultural elements of the book “The leg that remained”

Ali Akbar Noresideh *¹, Mohammad Mehdi Sadrullahi ²

¹ Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Semnan University, Semnan, Iran.

² Master of Arabic language Translation, Faculty of Literature and Humanities, Semnan University, Semnan, Iran.

Article Info

ABSTRACT

Article type:
Research Article

Received:
03/04/2024

Accepted:
12/07/2024

Nowadays, the translation from Persian to Arabic, is a scientific, cultural, economic, political, and media necessity that plays role a lot in the transferring of culture of Iran. The importance of this argument will be double, when it comes to the literature of “Holy defense” and interpreter’s the translator with heavy responsibility. For this purpose, it’s know that, the best equipment of appropriate translation is the evaluation. Therefore, one of the greatest contemporary theologies in the failed of the translational studies, is Peter Newmark who has the complete theologies in the translation of cultural elements. He divided the cultural varieties in five branch and presents seventeen processes to their translation. In the present study the authors is considered in study the quality of translation of the book “The leg that remained” that’s the records of Sayed Nasser Hosseini poor during the period “Holy defense” from secret prisons of Iraq based on following theory. The most important results of present research, which written by using a descriptive – analysis method, indicates the story “The leg that remained” has all of five parts of cultural variety of Newmark, and the translator for translation of this story used a lot of methods of transferring native, reduction and expansion, cultural equivalents and notes that’s dedicated himself first to fifth’s degree. However is possible the extra using of translator to using of the method of reduction and expansion and in some cases, the false equivalences, will be the sign of cheap translation. Is recommended to edit in the new edition base on getting analysis and suggesting.

Keywords: translation, Newmark cultural element, Resistance literature, The leg that remains.

Cite this article: Noresideh A.A., Sadrullahi ,M.M. (2024). *Qualitative evaluation of the Arabic translation of the varieties and cultural elements of the book “The leg that remained”*, year 1, issue 1, Pp 1-22. Doi: 10.22034/jisall.2024.202516

Publisher: University of Zabol © The Author(s).



***Corresponding Author:** Ali Akbare Noursideh

Address: Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Semnan University, Semnan, Iran.

E-mail: noresideh@semnan.ac.ir



ارزیابی ترجمه عربی مقوله‌ها و عناصر فرهنگی کتاب «پایی که جاماند»

علی اکبر نورسیده*^۱، محمد مهدی صدراللهی^۲

^۱ دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
^۲ دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله:	مقاله پژوهشی
دریافت:	۱۴۰۳/۰۱/۱۵
پذیرش:	۱۴۰۳/۰۴/۲۲
چکیده:	امروزه ترجمه از زبان فارسی به عربی، یک ضرورت علمی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، رسانه ای و ... می‌باشد که نقش بسزایی را در انتقال فرهنگ ما ایفا می‌نماید. اهمیت این موضوع زمانی دوچندان می‌گردد که پای ادبیات مقاومت در میان باشد که نقش مترجم را بسیار پررنگ می‌نماید و بهترین ابزار برای شناخت یک ترجمه مناسب ارزیابی بعد کیفی آن می‌باشد. یکی از بزرگترین نظریه‌پردازان دوره معاصر در حوزه مطالعات ترجمه، پیتر نیومارک است، که نظریه جامعی در رابطه با ترجمه عناصر فرهنگی دارد. وی مقوله‌های فرهنگی را به پنج دسته تقسیم می‌نماید و برای ترجمه آن‌ها هفده فرایند را معرفی می‌کند. در تحقیق حاضر با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی و بر اساس نظریه عناصر فرهنگی نیومارک، به بررسی سطح کیفی ترجمه کتاب «پایی که جاماند» (خاطرات سید ناصر حسینی‌پور در دوران دفاع مقدس از زندان‌های مخفی عراق) پرداخته شده است. حاصل پژوهش حاضر این‌که داستان «پایی که جاماند» تمام پنج دسته مقوله فرهنگی مورد نظر نیومارک را دارد و مترجم برای ترجمه این داستان بیشترین استفاده را به ترتیب از روش‌های انتقال، بومی کردن، کاهش و بسط، معادل فرهنگی و یادداشت‌ها داشته است. با این حال می‌توان استفاده بیش از حد مترجم در بکارگیری روش کاهش و بسط و در مواردی معادل‌یابی‌های اشتباه را از نقاط ضعف ترجمه دانست.
کلمات کلیدی:	ترجمه، عناصر فرهنگی نیومارک، ادبیات مقاومت، پایی که جاماند.

استناد: نورسیده، ع.ا.، صدراللهی، م.م (۱۴۰۳). ارزیابی ترجمه عربی مقوله‌ها و عناصر فرهنگی کتاب

Doi: 10.22034/jisall.2024.202516

«پایی که جاماند»، دوره ۱، شماره ۱، صص ۱-۲۲.



حق مؤلف © نویسندگان.

ناشر: دانشگاه زنجان

۱. مقدمه

امروزه تمامی کشورها برای رسیدن به پیشرفت و کمال نیاز به فرهنگ غنی دارند، که شامل آداب و رسوم، جریان‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... می باشد و راه رسیدن به آن از طریق آشنایی با فرهنگ دیگر جوامع و لازمه آن شناخت زبان ملت‌های گوناگون است. ترجمه کتب دیگر کشورها تا حدی توانسته است راه را برای رسیدن به این مهم باز نماید. اما این‌که این کتاب‌ها تا چه اندازه مفید، مؤثر و بدون خطا و منطبق با ادبیات رسمی و علمی و مورد تأیید زبان شناسان کشور مقصد است نیازمند ارزیابی و نقد می‌باشد. نقد ترجمه دارای چارچوب علمی و نظری خاصی است، از جمله این مدل‌ها که تاکنون ارائه گردیده است نظریه عناصر فرهنگی نیومارک می‌باشد. این نظریه دارای پنج مقوله و هفده روش است. همانطور که می‌دانیم مردم ۲۲ کشور به زبان عربی سخن می‌گویند و یکی از شش زبان رسمی در سازمان ملل متحد می‌باشد. با توجه به تحولات چند سال اخیر در کشورهای عربی موسوم به بهار عربی یا به تعبیر ما بیداری اسلامی، پیوند فرهنگی میان ایران با نظام‌های سیاسی برخاسته از متن مردم در کشورهای عربی به صورت روز افزون گسترده شده است. نمونه این ادعا را در امتزاج سیاسی و فرهنگی ایران با کشورهای سوریه و عراق در جریان مبارزه با گروه تروریستی داعش شاهد بودیم که منجر به ایجاد محور جدیدی در منطقه به نام محور مقاومت شد که به اعتقاد بسیاری الگو گرفته از دوران دفاع مقدس است. بر این اساس پس از پایان جنگ نظامی با عناصر تکفیری، لزوم ورود به عرصه تقابل فرهنگی با این دشمن وجود دارد و همانگونه که ایران توانست مقاومت نظامی در برابر دشمن را در کشورهای عربی منطقه مانند سوریه، عراق، فلسطین، لبنان، یمن و ... نهادینه کند، حال نیاز به انتقال تجربه فرهنگی دوران دفاع مقدس به این کشورها البته با لحاظ کردن بافت فرهنگی و دینی کشور میزبان احساس می‌شود. در همین راستا طی سال‌های اخیر شاهد ترجمه کتب دوران دفاع مقدس به زبان عربی بوده ایم که البته ضعف ارتباط با ترجمه پژوهان در این آثار احساس می‌شود. هرچندکه بیان ارزش‌های دفاع مقدس به زبان عربی بسیار حائز اهمیت است اما انتقال صحیح فرهنگ ایثار و شهادت و فرهنگ جبهه به زبان عربی باید تابع ضوابط علمی و ادبی خاص و موردپسند و رضایت جامعه علمی، روشنفکران و زبان‌شناسان جهان عرب باشد. ما نیز با همین هدف برآن شدیم تا ترجمه یکی از کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس با نام «پایی که جا ماند»، «القدم التي بقيت هناك» را با توجه به وجود مؤلفه‌های فرهنگی زیادی در آن بر اساس نظریه عناصر فرهنگی نیومارک بررسی نمائیم.

در این پژوهش درصدد یافتن پاسخی برای سؤالات زیر هستیم:

- ۱- پرتکرارترین مقوله‌های فرهنگی نظریه نیومارک در متن ترجمه کدام است؟
- ۲- مترجم از کدام روش ترجمه بیش از سایر روش‌ها برای انتقال صحیح عناصر فرهنگی استفاده کرده است؟
- ۳- مترجم تا چه اندازه در ترجمه عناصر فرهنگی و انتقال مفاهیم پایداری کتاب «پایی که جا ماند» موفق عمل کرده است؟

به نظر می‌رسد: مقوله اشاره‌ها و حرکات، بیش از دیگر مقوله‌های فرهنگی مورد استفاده قرار گرفته است. مترجم از روش انتقال و کاهش و بسط به عنوان یک روش مستقل، بیشترین استفاده را برده است. ترجمه حاضر به دلیل اشتباهات و غفلت‌های مترجم علیرغم تمام زحماتی که در این زمینه صرف شده است، دارای اشکالات فنی متعددی می‌باشد.

در خصوص هدف و ضرورت چنین تحقیقی باید اذعان کرد که دوران هشت ساله دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین، حساس‌ترین و بحرانی‌ترین برهه‌های زمانی در تاریخ معاصر ایران به حساب می‌آید. از این‌رو، اختصاص پژوهش‌های متعدد در حوزه‌های مختلف از جمله ترجمه به این موضوع به منظور تبیین اصول انقلاب نیازی اساسی است و ارزیابی متون ترجمه‌ای از خاطرات دوران جنگ بر اساس نظریات جدید حوزه ترجمه به غنا و باروری بیشتر این متون کمک می‌کند. در این راستا و به منظور کمک به ارتقای سطح فنی ترجمه‌های این متون و نظر به اهمیت انتقال درست مفاهیم و متن اصلی به زبان مقصد لزوم بررسی متن ترجمه کتاب «پایی که جاماند» با استفاده از مقوله‌ها و روش‌های نظریه عناصر فرهنگی نیومارک احساس شد.

روش کار در تحقیق حاضر تحلیلی-توصیفی و به شکل مقابله کامل و خط به خط متن مبدأ و متن مقصد می‌باشد، که این امر را به هنگام ارائه نمودارها بهتر می‌توان مشاهده نمود. در ابتدا نمونه‌های موردی از مقوله‌های عناصر فرهنگی نیومارک را استخراج و راه‌کارهایی که برای انتقال این مقوله‌ها ارائه داده معرفی می‌شود و در ادامه ذکر می‌گردد که مترجم در برگردان این مقوله‌ها از کدام روش پیشنهادی نیومارک بیشتر استفاده کرده است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در باب پیشینه پژوهش در خصوص نقد ترجمه ادبیات دفاع مقدس از زبان فارسی (مبدأ) به عربی (مقصد) بر اساس نظریه عناصر فرهنگی نیومارک، باید گفت که بنا بر یافته‌های ما تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است. اما پژوهش‌های مشابهی در حوزه نقد ترجمه عربی به فارسی و فارسی به عربی بر اساس این نظریه انجام گرفته است که در ادامه به ذکر و بررسی برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

- محمد رحیمی خویگانی (۱۳۹۶)، در دو فصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی در مقاله‌ای با عنوان «ترجمه عربی مقوله‌های فرهنگی داستان «فارسی شکر است» از محمد علی جمال‌زاده بر اساس نظریه نیومارک» به تقسیم‌بندی عناصر فرهنگی نیومارک پرداخته است و با روش توصیفی - تحلیلی مقوله‌های پنج‌گانه نیومارک را بررسی، و به این نتیجه رسیده است که از روش «معادل فرهنگی» در این ترجمه بیشتر استفاده، و ترجمه مخاطب محور ارائه شده است.

- الهه جوانمردی (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه ارشد خود در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت با عنوان «بررسی قیاسی دو ترجمه از رمان بر باد رفته، بر اساس روش‌های ترجمه نیومارک» به ترجمه ی آن دسته از اجزای متن که با شش روش از مدل نیومارک مطابقت داشته‌اند پرداخته است. روش‌های ترجمه مورد نظر شامل انتقال، تغییر صورت، ترادف، تغییر بیان، افزودن و حذف می‌باشند. از نظر روش‌های

تغییر صورت، ترادف و تغییر بیان اردکانی نسبت به اشراق عمل کرد قوی‌تری داشته است. علاوه بر این از لحاظ روش‌های حذف و افزودن، فراوانی بالاتری در ترجمه اشراق مشاهده شد. از این‌رو ترجمه اردکانی به دلیل فراوانی پایین‌تر حالت‌های خطای مرتبط با روش حتی مورد مطالعه و فراوانی بالاتر حالت اختیاری، روش تغییر صورت مقبول‌تر است.

- کبری روشنفر، هادی نظری منظم و احمد حیدری (۱۳۹۲)، در دو فصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان عربی در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در رمان «اللصّ و الکلاب» نجیب محفوظ؛ مقایسه دو ترجمه با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک» با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی ترجمه عناصر فرهنگی در رمان مذکور توسط دو مترجم؛ بهمن رازانی و محبوبه بادرستانی، و میزان موفقیت آنان در انتقال خصوصیات فرهنگ عربی به خواننده فارسی زبان می‌پردازند.

- علی علی‌زاده (۱۳۸۹)، در مجله پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان در مقاله‌ای با عنوان «مقوله‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی ترجمه آن‌ها در رمان گتسبی بزرگ ترجمه کریم امامی» اقدام به طبقه‌بندی شخصیت‌های اصلی داستان و سپس استخراج عناصر فرهنگی مربوط به هر شخصیت نموده است تا میزان موفقیت مترجم در برگردان آن‌ها بر اساس نظریه نیومارک مورد بررسی قرارگیرد. نتایج به‌دست آمده مربوط به هریک از شخصیت‌های انتخاب شده در داستان از نظر آماری مقایسه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند تا تعداد شیوه‌ها و مدل‌های اتخاذ شده برای هریک از آن‌ها به‌دست آید.

- فاطمه کیادربندسری و حامد صدقی (۱۳۹۶)، در مجله ادب عربی در مقاله‌ای با عنوان «چگونگی ترجمه‌پذیری عنصر فرهنگی نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم در ترجمه‌های عربی به فارسی با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک» سعی کردند عنصر فرهنگی «نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم» را شاخص‌تر نمایند. نتایج به‌دست آمده در ترجمه‌های یوسف عزیزی، محمد علی عسگری، احسان موسوی، موسی أسوار از داستان‌های "عائد إلى حيفا، رجال في الشمس و الكعك علی الرصيف" غسان کفانی نشان می‌دهد که علی‌رغم این‌که عنصر فرهنگی «نهادها، آداب و رسوم، جریانات و مفاهیم» با اصطلاحات و تعابیر سیاسی، مذهبی، تاریخی و هنری زیادی مواجه است، این مترجمان توانسته‌اند به خوبی با استفاده از روش «معادل فرهنگی» از عهده ترجمه آن‌ها برآیند. با این حال، استفاده کمتر آنان از روش‌های مهمی چون روش «تلفیقی» و «یادداشت‌ها، اضافات و توضیحات» باعث ضعف و ابهام در ترجمه آنان شده است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱ فرایند ترجمه و ارزیابی آن

سادگی یا دشواری یک ترجمه به میزان تشابه دو فرهنگ مبدأ و مقصد بستگی دارد. مترجم هنگام مواجهه با عنصری از فرهنگ مبدأ که در فرهنگ مقصد معادل ندارد، می‌کوشد با روش‌های گوناگون آن عنصر را به زبان مقصد منتقل کند. معمولاً هرگاه فرهنگ مقصد فاقد عنصر فرهنگی موجود در متن

باشد، زبان آن فرهنگ نیز فاقد لفظی برای بیان این عنصر فرهنگی است. در این موارد وظیفه مترجم آن است که لفظ یا عبارت رسایی در زبان مقصد بیابد که به نحو مناسب معنی این عنصر متفاوت فرهنگی را به خوانندگان زبان مقصد انتقال دهد. «ترجمه روشی برای ایجاد ارتباط میان دو فرهنگ است. حتی می‌توان گفت اساساً مبادله عناصر مادی و غیر مادی بنابراین ترجمه یعنی ترجمه فرهنگ‌ها و نه ترجمه زبان‌ها صورت می‌پذیرد.» (ایویر، بی تا: ۳-۱۳). برای ارزیابی ترجمه، الگوهای متعددی وجود دارد؛ از جمله «الگوی خانم کترمن واروگارسس (Garman Valer Garces)، زبان‌شناس و نظریه پرداز اسپانیایی که برای مقایسه شباهت‌های بین متن مبدأ و مقصد چهار سطح را پیشنهاد می‌کند» (متقی زاده، ۱۳۹۶: ۱۶۹). آنتوان برمن (Antoine Berman)، مترجم، فیلسوف، مورخ و نظریه پرداز فرانسوی که نظریه‌اش درباره عوامل ناموزن کننده ترجمه بسیار مورد توجه پژوهش‌گران حوزه مطالعات ترجمه است. نظریه برمن نظریه ای مبدأگرا است و به حفظ اصالت متن اصلی توجه دارد (برمن، ۲۰۱۰م: ۷۶). هربرت پل گرایس (Herbert Paul Grice)، نظریه پرداز انگلیسی و فیلسوف تحلیل زبانی، اصولی را برای دستیابی به گفتگوی مطلوب معرفی کرد که طرفین کلام باید آنها را رعایت کنند (صلح جو، ۱۳۷۶: ۵۳). خانم جولیان هاوس (Julian House)، زبان‌شناس و پژوهش‌گر آلمانی که الگوی ارزیابی ترجمه او مبتنی بر روش سیاق کلام است (هاوس، ۱۳۸۸: ۴۴). باسل حاتم (Basil Hatim)، پژوهش‌گر عراقی، به همراه همکار خود در دانشگاه هریوت وات (Heriot Watt)، آقای ایان میسون (Ian Mason) الگوی مشترک خود را برای ارزیابی ترجمه ارائه دادند (Hatim, B & Mason, ۱۹۹۰, ۲۱۲). تحلیل گفتمان انتقادی (Critical Discourse Analysis) یکی از رویکردهای زیان‌شناسی انتقادی (Critical linguistics) به شمار می‌رود (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۳۹). در اواخر دهه ۱۹۷۹ میلادی گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای (Systemic-Functional) هالییدی در دانشگاه ایست آنجلیای انگلستان گرد هم آمدند. آنان در مطالعات خود درباره کاربرد زبان، رویکرد زیان‌شناسی انتقادی را برگزیدند و در کتاب معروف خود زبان و کنترل (Language and Control) برای اولین بار این اصطلاح را به کار بردند که مدل نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) بر اساس آن می‌باشد (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۴۴). از جمله پرطرفدارترین نظریات در زمینه مسائل فرهنگی، نظریه پیتر نیومارک آمریکایی است (نیومارک، ۲۰۰۶: ۱۴۹). الگوی پیشنهادی وی برای ارزیابی ترجمه، تکیه فراوانی بر ترجمه عناصر فرهنگی در متن دارد (روشنفکر و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹).

۲-۲ "پایی که جا ماند"

این کتاب خاطرات نوجوان شانزده ساله‌ای به نام «سید ناصر حسینی پور» است که ۸۰۸ روز اسارت در زندان‌های مخفی عراق را روایت می‌کند. این کتاب که در سال ۱۳۹۰ش، روانه بازار گردیده، چگونگی زخمی شدن و به اسارت درآمدن او را در سال ۱۳۶۷ش، در جزیره مجنون و نوع برخورد عراقی‌ها با او و اتفاقات دوران اسارت و چگونگی قطع شدن پایش و بالاخره نحوه آزادی خود در سال ۱۳۶۹ش، را توضیح می‌دهد. کتاب مذکور در سال ۲۰۱۳م، توسط گروهی از مترجمان به سرپرستی خانم "ایمان

صالح" توسط «جمعیة المعارف الإسلامیة الثقافیة» در «مرکز نون للتألیف والترجمة» لبنان ترجمه و با نام «القدم التي بقيت هناك» به چاپ رسیده است.

۲-۳ نظریه عناصر فرهنگی نیومارک

زبان، به عنوان یک نظام و ساختار، دارای عناصر و بخش‌های گوناگونی است که عوامل اجتماعی، فرهنگی و ... در آن تأثیر می‌گذارند. به همین جهت «مترجم هنگام مواجهه با عنصری از فرهنگ مبدأ که در فرهنگ مقصد معادل ندارد، می‌کوشد با روش‌های گوناگون آن عنصر را به زبان مقصد منتقل نماید». (Vladimir Ivir, ۱۹۸۷: ۳۴) بدین جهت نظریه پردازان زیادی در مورد مسأله فرهنگ در فرایند ترجمه سخن گفته‌اند که هر کدام از آن‌ها روش‌هایی را برای ارتباط مناسب با عناصر فرهنگی پیشنهاد داده‌اند. از جمله پرتطرفدارترین نظریات در این زمینه، نظریه عناصر فرهنگی «پیتر نیومارک» است. او فرهنگ را چنین معرفی می‌نماید: «من فرهنگ را به شیوه زندگی و مظاهر آن که خاص یک گروه اجتماعی است و از یک زبان خاص به عنوان ابزار بیان استفاده می‌کند تعریف می‌کنم. به نظر وی زبان فرهنگی با زبان فردی و جهانی متمایز است. کلماتی همچون: «مردن»، «زندگی کردن»، «ستاره» و بیشتر کالاهای ساخت بشر همچون «آینه» و «میز» و ... واژه‌هایی جهانی هستند که در ترجمه آن‌ها مشکلی وجود ندارد، اما واژه‌هایی همچون «خانه ییلاقی»، «تالیتالی» و ... واژه‌هایی هستند که مختص فرهنگ‌های خاصی هستند، در ترجمه واژه‌های فرهنگی مشکل وجود دارد، مگر آن‌که میان زبان مبدأ و مقصد و خوانندگان آن هم‌پوشی فرهنگی وجود داشته باشد. نیومارک مقوله‌های فرهنگی را در پنج دسته تقسیم‌بندی می‌کند:

- ۱- بوم‌شناسی: گیاهان و جانوران یک سرزمین، آثار باستانی دشت‌ها، جلگه‌ها و ...
 - ۲- فرهنگ مادی (مصنوعات): شامل: مواد غذایی، پوشاک، مسکن و وسایل نقلیه.
 - ۳- فرهنگ اجتماعی: کار و فراغت، فعالیت‌های تفریحی و موسیقایی و بازی‌های ملی و سستی هر ملت.
 - ۴- نهادها، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات و مفاهیم که تمام نمادها و نشانه‌های آشکار و نهان اجتماعی، حقوقی، مذهبی و هنری و ... را در بر می‌گیرد.
 - ۵- اشاره‌ها و حرکات حین سخن گفتن و عادات و ...» (Peter Newmark, ۱۹۸۸: ۹۴-۹۵)
- در این بخش از تحقیق ابتدا نمونه‌هایی متعدد از مقوله‌های پنجگانه نیومارک را به ترتیب فراوانی و بسامد موجود در ترجمه کتاب ذکر نموده، سپس در بخش روش‌های ترجمه عناصر فرهنگی، هر یک از این نمونه‌ها را در مقابل روش مربوطه جانمایی می‌کنیم. باید گفت به دلیل عدم سنخیت برخی از این نمونه‌ها با روش‌های هفده گانه شاید نتوان این نمونه‌ها را در میان این روش‌ها قرار داد.
- ۱-۳-۲- مقوله اول: اشارات و حرکات حین سخن گفتن و عادات
- به مواردی از این مقوله در این جا اشاره می‌شود:
- عادت ناشی از حرکات یکی از عناصر فرهنگی در این مقوله می‌باشد. مانند: خُرخر کردن، ناسزا گفتن، سیگار کشیدن، عصبانیت و....

- «می‌دانستم ماجد اذیتم می‌کند. از بس عصبانی بود، چند فحش خواهر و مادر نثارم کرد، با لگد به عصایم زد و خیلی عصبانی بود!». «كُنْتُ أَعْلَمُ أَنَّ مَاجِدًا سَيَلْحَقُ بِي الْأَذَى. وَمِنْ شِدَّةِ غَضَبِهِ نَالَ أُمِّي وَ أُخْتِي بِالشَّتْمِ وَ السَّبَابِ، رَكَلَ عَصَايَ بِرِجْلِهِ وَ كَانَ فِي غَايَةِ الْغَضَبِ!».
- «شب قبل از صدای خرخر یکی از اسرا خواب درستی نداشتم». «اللَّيْلَةُ الْمَاضِيَةُ لَمْ أُسْتَطِعِ النَّوْمَ، بِسَبَبِ شَخِيرِ أَحَدِ الْأَسْرَى».

- «بعضی وقت‌ها هوس می‌کردم سیگار بکشم، اما محمد کاظم بابایی که خودش سیگاری بود، مراقبم بود». «كُنْتُ أُمِيلُ لِلتَّدخينِ فِي بَعْضِ الْأَحْيَانِ، إِلَّا أَنَّ "مُحَمَّدَ كَاطِمَ بَابَائِي"، وَهُوَ مِنَ الْمُدخِنِينَ، كَانَ يُرَاقِبُنِي عَنْ كَتَبِ».

- «همیشه عادت داشت با دندان سبیل‌هایش را بجود». «وَدَائِمًا مَا كَانَ يَمَضَعُ شَارِيَّهِ بِأَسْنَانِهِ»

۲-۳-۲ مقوله دوم: بوم‌شناسی

مواردی را که از کتاب مورد پژوهش یافت شد به شرح زیر می‌باشد:
جانوران یکی از عناصر فرهنگی در مقوله بوم‌شناسی می‌باشد که در مثال زیر به خوبی برگردان شده است.

- «مطمئن بودم بیشتر اردک‌ها، سمورهای آبی، دیگر حیوانات بومی جزیره و گونه‌های خاصی از پرندگان که جزیره مجنون محل زندگی‌شان بود، زیر آن آتش شدید از بین رفته اند». «كُنْتُ مُتَأَكِّدًا أَنَّ مَعْظَمَ طُيُورِ الْبَطِّ، وَكَلَابِ الْمَاءِ، وَبَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ الْمَحَلِّيَّةِ الَّتِي كَانَتْ تَسْكُنُ الْجَزِيرَةَ، قَدْ لَاقَتْ حَتْفَهَا تَحْتَ النِّيرانِ الَّتِي لَمْ تَهْدَأْ».

گیاهان، دشت و کوه نیز از عناصر فرهنگی در این مقوله می‌باشد. در مثال زیر مترجم گیاهان بومی منطقه را ترجمه نکرده و فقط به صورت کلی برگردان نموده است:

- «عمق هور حدود نیم تا سه متر است. هور پوشیده از گیاهان مردابی، بویژه نیزار، بردی و چولان است». «يَتَرَاوَحُ عُمُقُ مِيَاهِ «الهُورِ» الْمُعْطَاةِ بِالْأَعْشَابِ الْمَائِيَّةِ وَالْقَصَبِ بَيْنَ ٧٠ سَمِ وَ ٣ أَمْتَارٍ».

- «خاطرات زمستان سال ۱۳۶۶ منطقه‌ی عملیاتی گوجار در کردستان برایم تداعی شد». «ها هی ذکریات شتاء العام ۱۹۸۷م؛ خلال عملیات "گوجار" فی کردستان (إحدى محافظات غرب إيران) تتداعی إلی ذهني». در اکثر نمونه‌های مشاهده شده مترجم با توضیح این نوع عنصر فرهنگی را به خوبی برگردان نموده است.

مترجم در ترجمه این مقوله بسیاری از نمونه های متن اصلی را به دلیل عدم تسلط حذف کرده است. این امر به دلیل عدم آشنایی مترجم با گیاهان و جانوران بومی منطقه می باشد.

۲-۳-۳ مقوله سوم: فرهنگ مادی

پوشاک یکی از عناصر فرهنگ مادی بوده و مترجم به خوبی در دو مثال زیر انواع پوشاک را برگردان نموده است. این مقوله بیشترین بسامد را در کتاب حاضر دارد. در اینجا به چند نمونه از آن اشاره کرده، باقی موارد را در قالب نمودار ترسیم می‌نمایم:

- «شلوار کردی ام را از همان قسمتی که ترکش پاره‌اش کرده بود پاره کردم». «مزقتُ بنظالی "الکردی" من المكان اذی دخلته الشَّطِیَّة».

- «ولید خندید و گفت: حکومت ایران به زور سر خانم‌ها چادر کرده است». «ضحک "ولید" وقال: لقد أجبرت الحكومة الإيرانية النساء على ارتداء "التشادور"».

همچنین یکی دیگر از عناصر فرهنگ مادی، مواد غذایی یا خوردنی است.

- «ناهار غذای مورد علاقه‌ام استامبولی بود». «طعامی المفضل هو ال "إستامبولی"». مترجم به خوبی در پاورقی استامبولی را بدین صورت توضیح داده است. «طعام ایرانی تقلیدی مكوّن من الأرز واللحم النَّاعم والتَّوابل».

در میان مقوله‌های پنج‌گانه مقوله حاضر بیشترین حجم را به خود اختصاص داده و مترجم نیز به دلیل این‌که مصادیق آن اشیاء مادی بودند کمتر دچار اشتباه در ترجمه شده است.

۴-۳-۲ مقوله چهارم: نهادها (سازمان اجتماعی و سیاسی)، آداب و رسوم، فعالیت‌ها، جریانات، مفاهیم

چند نمونه از موارد ذکر شده در ترجمه کتاب مذکور به شرح زیر است:

- هفت‌سین یکی از فرهنگ‌های آداب و رسوم عید نوروز ایرانی‌ها بوده و مترجم در مثال زیر آن را به «السینات السبع» برگردان نموده است. «دیروز به حاج سعداله و حاج حسین شکرلی قول داده بودم لوازم سفره هفت سین را جور کنم». «بالأمس وَعَدْتُ الْحَاجَّ سَعْدَالِهَ وَالْحَاجَّ حُسَيْنَ شُكْرِي أَنْ أَهَيِّئَ لَوَازِمَ سَفْرَةِ السَّيِّنَاتِ السَّبْعِ».

- «پلاکم را به گوشه‌ای پرت کردم تا اگر عراقی‌ها کشتنم روزی محل شهادتم را پیدا کنند». «ثم رميت "البلاک" فی مکان قریب، حتی إذا قتلنی العراقیون الآن، فسُیَعْرِفُ مَکانَ شَهادتی فی یوم من الأيام». که مترجم با توضیح معنای پلاک در پاورقی به خوبی آن را برگردان نموده است. «قطعهُ معدنیة یحملها المجاهد وتتضمن رقمًا متسلسلاً یعرف عن هویة صاحبه لدى الجبهة العسکرية التي یتمی إليها».

- «اخلاق و رفتارش به علی اصغر انتظاری نزدیک بود. بهلول بازداشتگاه بود». «کان یشبه "علی أصغر إنتظاری" أخلاقاً وسیرةً. وکان بمثابة بهلول المعتقل». مترجم متأسفانه منظور از بهلول را درک نکرده و آن را بصورت گرت‌برداری ترجمه کرده است.

- «یوسف کلاهدوز قائم مقام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر بودند که به شهادت رسیدند». «ونائب قائد الحرس الثوریّ یوسف کلاهدوز، و قائد الحرس الثوریّ فی خرمشهر محمد جهان‌آرا الذین استشهدوا جمیعاً».

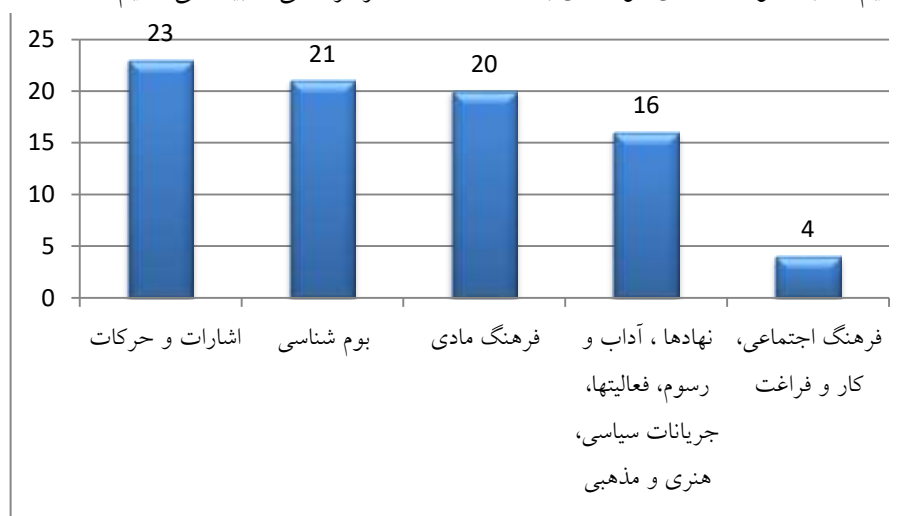
۵-۳-۲ مقوله پنجم: فرهنگ اجتماعی، کار و فراغت

موارد یافت شده در کتاب نمونه‌های زیر می‌باشد:

- «پیران مستوفی زاده امروز شهردار بود. ناهار غذای مورد علاقه‌ام استامبولی بود.» «کنت جائعاً، والیوم دور "پیران مستوفی زاده"، هو "رئیس البلدية" (خدمة الطعام)، طعامی المفضل هو الـ "إستامبولی".

- «سرتیپ عراقی پرسید: چجوریه که شما دوست دارید شهید بشید؟ این حالت چجوری درون شما بوجود اومده که حاضرید بیاید جلوی گلوله‌های ما و کشته بشید، یا برید روی مین تکه تکه بشید. خمینی چیزی به شما احمق‌ها خورانده که این جوری شدید؟.» «سأل العمید العراقي: کیف یمکن أن تعشقوا الشهادة؟ کیف نشأت هذه الحالة فی أعماقکم، فدفعتمکم إلى التقدّم بكلّ رضاً، لتواجهوا رصاصنا، ثمّ تقتلون، أو تمشون فی أراضٍ مليئة بالألغام، ثمّ تقطعون إرباً إرباً. هل أطعمکم الخمينی شیئاً أيّها الحمقى، لتصبحوا هكذا؟»

نمونه‌های زیادی از مقوله‌های پنج‌گانه در اصل کتاب وجود دارد که در ترجمه آن حذف گردیده است. این امر از جمله اشکالات موجود در ترجمه می‌باشد. در بیان علت این دست از معایب ترجمه می‌توان نقص مترجم و نیز تفاوت ساختار زبانی دو زبان مقصد و مبدأ و در برخی موارد قصور را دخیل دانست. با توجه به تعداد بالای نمونه‌های موردی از مقوله‌های پنج‌گانه در این کتاب، قادر به بیان همه آنها نمی‌باشیم لذا به صورت آماری موردهای به‌دست آمده عناصر فرهنگی را بیان می‌نمائیم.



نمودار ۱: نمودار کمی مقوله‌های فرهنگی

همانطور که در نمودار فوق مشاهده می‌شود مقوله اشارات و حرکات بیشترین بسامد و مقوله فرهنگ اجتماعی کار و فراغت کمترین فراوانی را دارا می‌باشد که دلیل آن نوع بیان داستان می‌باشد به دیگر معنا محیط و مکان داستان تاثیر مستقیمی در بسامد بالا یا پائین عناصر فرهنگی دارد. طبیعتاً در یک محیط و مکان جنگی مانند بازداشتگاه عنصر و مقوله کار بسامد کمتری دارد و بیشتر مقوله اشارات و حرکات آن‌هم به دلیل بافت داستان ظهور و بروز پیدا می‌کند.

۳- روش‌های ترجمه عناصر فرهنگی

زبان و فرهنگ دو عاملی هستند که ترجمه را به یک فعالیت متفکرانه و کاملاً پیچیده و ضروری مبدل می‌نمایند. جهان ما بنای شگرفی از زبان‌ها و ارتباطات بین‌زبانی میان‌مردمی است که به زبان‌های مختلف صحبت می‌کنند، چنین ارتباطی شکل نخواهد گرفت مگر این‌که به شیوه‌ای بر موانع زبانی غلبه شود. بنابراین زبان، یا تا حدی تفاوت در زبان‌ها، علت وجود ترجمه است و «ترجمه روشی برای ایجاد ارتباط میان دو فرهنگ است. زبان و فرهنگ رابطه‌ای ناگسستنی دارند و وارد کردن یک عنصر فرهنگی در فرهنگ دیگر مستلزم این است که صورت زبانی آن عنصر نیز در فرهنگ دیگر وارد شود. گاه مترجم با عناصری از فرهنگ مبدأ روبرو می‌شود که در فرهنگ مقصد وجود ندارند. در هنگام مواجهه با این عناصر باید بکوشد به نحوی خلاء فرهنگی را پر کند و با آوردن لفظ یا عبارتی در زبان مقصد معنی عنصر متفاوت فرهنگی را به نحو مناسبی به خوانندگان منتقل کند.» (علی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۳-۷۴).

از آن‌جا که هدف از ترجمه، شناساندن فرهنگ زبان مبدأ به خوانندگان زبان مقصد است، مترجم باید در گذر از لفظ به بیان مفهوم مورد نظر بپردازد. پس ترجمه ارتباطی برای ایجاد ارتباط مطلوب با خواننده زبان مقصد، مناسب‌تر است. در این پژوهش، نقد ترجمه بر همین مبنا خواهد بود. در این بخش به منظور ارزیابی بهتر ترجمه مذکور به نمونه آوری و توضیح مناسب برای روش‌های هفده‌گانه می‌پردازیم. نیومارک هفده فرایند را برای ترجمه عناصر فرهنگی معرفی می‌نماید. در ادامه به ترتیب این عناصر را به نقل از کتاب (A textbook of translation) صفحات (۸۱ - ۹۱) با نمونه‌هایی از ترجمه مذکور از کتاب "پایی که جاماند" ذکر می‌نمائیم و از ارجاع چندباره این روش‌ها به کتاب خودداری می‌شود.

۱-۳ انتقال (وام‌گیری) (Transference): استفاده مستقیم از واژه زبان مبدأ در متن زبان مقصد.

در صفحه ۹ کتاب «القدم التي بقيت هناك»^{*} واژه «واحد تخریب» بصورت «وحده تخریب» ترجمه شده است. «به واحد تخریب علاقه داشتم به همین خاطر، تخریبچی شدم: أعجبتُ هناكَ بِوَحْدَةِ التَّخْرِيبِ وَ لِهَذَا صِرْتُ مُخْرِبًا فِيهَا». در این‌جا دو نکته وجود دارد که متأسفانه مترجم دقت نکرده است. نکته اول آن‌که واحد تخریب در عربی فصیح «وحده الهندسة» است و نکته دوم اینکه «تخریبچی» در عربی فصیح «عنصر التخریب» یا «عنصر فی وحده الهندسة» است و مترجم باید از این اصطلاحات استفاده می‌کرد. همین امر یکی از نشانه‌های عدم پختگی ترجمه مورد نقد است. به نظر می‌رسد با دقت بیشتری می‌توانیم شاهد برابر نهادهایی دقیق‌تر باشیم.

۲-۳ بومی کردن (Naturalization): «این فرایند سپس بر فرایند «انتقال» غلبه می‌کند و واژه زبان مبدأ را ابتدا با تلفظ طبیعی و آن‌گاه با ریخت طبیعی زبان مقصد مطابقت می‌دهد». در صفحه ۱۷۸ کتاب «القدم التي بقيت هناك» عبارت: «عراقی‌ها پلاک بچه‌ها را از گوردنشان در می‌آوردند» به: «شاهدنا

* - شماره صفحات موارد نمونه در این تحقیق بر اساس کتاب (القدم التي بقيت هناك) می‌باشد.

العراقیین وهم يأخذون الـ "بلاکات" (القلاذات المعدنیة) من شبابنا» ترجمه شده است. پلاک در فرهنگ ما یک نماد است و بسی فراتر از یک نشانه شناسائی است، امری که از طرف مترجم مغفول مانده است. در ضمن در برگرداندن نام نویسنده کتاب یعنی «سید ناصر حسینی پور» بایستی این موضوع رعایت می‌شد اما نشده است و روی جلد کتاب به صورت «السید ناصر حسینی پور» آمده است. شاید شکل مناسب‌تر آن «الشریف ناصر حسینی پور» باشد.

۳-۳ معادل فرهنگی (Cultural Equivalent): «ترجمه واژه‌های فرهنگی از زبان مبدأ به واژه‌های فرهنگی در زبان مقصد». مثل واژه «نماز خواندن» در زبان فارسی که معادل «صلاة» در زبان عربی است. در صفحه ۵۴۲ کتاب عبارت: «نماز خواندن صدام در حرم آقا مثل نماز خواندن محمدرضا پهلوی در حرم مطهر آقا علی ابن موسی الرضاست» به: «صلاة صدام فی حرم الإمام الحسین كصلاة مُحَمَّد رضا بهلوی فی حرم الإمام علی بن موسی الرضا» ترجمه شده است. منظور از معادل فرهنگی همین یک جمله نمی‌باشد بلکه ممکن است از لحاظ امور فرهنگی هم بین دو زبان اشتراکاتی وجود داشته باشد و نمی‌توان یک معادل فرهنگی کاملاً برابرنهاد در زبان مبدأ پیدا نمود و حتما ریشه‌ای از کلمات زبان مقصد در آن وجود دارد. مثل واژه «شهید شدن» (بارها در کتاب به کار رفته است) به فارسی و «استشهاد» به عربی که شهید شدن از ریشه عربی می‌باشد.

۳-۴ معادل کارکردی (Functional Equivalent): «برای واژه‌های فرهنگی به کار می‌رود که مستلزم به کار بردن یک واژه مستقل از فرهنگ است که گاهی با یک واژه جدید خاص همراه می‌شود؛ مانند ضرب المثلها». در صفحه ۵۵۳ کتاب ضرب المثل «هم خدا را می‌خوام و هم خرما» به صورت «كُنْتُ أريدُ قَتَلَ النَّاطورِ و أَكَلُ العِنَبِ» ترجمه شده است. «با اینکه بعضی وقت‌ها هم خدا را می‌خواستم هم خرما: و مع أنني في بعض الأوقات كُنْتُ أريدُ قَتَلَ النَّاطورِ و أَكَلُ العِنَبِ». معادل‌یابی کارکردی در ترجمه این کتاب از جمله روش‌های پرکاربرد بوده که بعضاً با لغزش‌هایی از طرف مترجم همراه شده است. از آن جمله ضرب المثل «سگ زرد برادر شغال است» که یک‌بار به اشتباه در صفحه ۵۱۳ کتاب به صورت «الكلبُ الأصفرُ أخو ابنِ أوى» با استفاده از روش گرت‌برداری برگردان شده است و در جایی دیگر از کتاب در صفحه ۳۸۹ به شکل صحیح با استفاده از روش معادل‌یابی کارکردی به صورت «فالتَّيُورُ عَلَى أَشْكَالِهَا تَقَعُ» آورده است. تمامی این لغزش‌های ترجمه ناشی از عدم تسلط مترجم بر زبان مقصد می‌باشد.

۳-۵ معادل توصیفی (Descriptive Equivalent): «در ترجمه باید گاهی توصیف را بر کارکرد ترجیح داد». به عنوان مثال در صفحه ۲۵ کتاب: «پیران همیشه می‌گفت: حسن آچار فرانسه واحد اطلاعاته: «كانَ بيرانُ يردُّ دائماً: «حسن» رَجُلٌ جميعُ المِهْمَاتِ الصَّعِبَةِ فِي وَحْدَةِ الإِسْطِلاعِ». آچار فرانسه بودن یعنی شخصی که قادر است هر نوع کار را انجام دهد. اختلاف فرهنگی که بین دو زبان عربی و فارسی وجود دارد باعث شده که مترجم اصطلاح آچار فرانسه بودن را برای خواننده توصیف و توضیح دهد.

۳-۶ مترادف (Synonymy): «معنای یک معادل نزدیک در زبان مقصد، برای واژه‌ای از متن مبدأ. این فرایند برای واژه‌ای از زبان مبدأ به کار می‌رود که هیچ معادل دقیق کلمه به کلمه‌ای ندارد و استفاده از واژه مترادف در جایی که معادل دقیقی وجود نداشته باشد، به کار می‌رود». در صفحه ۳۵۶ کتاب عبارت «شربت شهادت نوشید» به «شَرِبَ كَأْسَ الشَّهَادَةِ» برگردان شده است. شربت شهادت اصطلاحی است که در فرهنگ ما وجود دارد اما در فرهنگ عرب جام شهادت این معنا را می‌دهد.

۳-۷ گزیده‌برداری (ترجمه فرضی) (Through-translation): «از لحاظ نظری مترجم نباید مبدع یک ترجمه فرضی شود و صرفاً نقش گزیده‌بردار را ایفا کند. بارزترین نمونه این نوع ترجمه گزیده‌برداری از اسامی سازمان‌های بین‌المللی است که شامل واژه‌های جهان شمول می‌باشد». در صفحه ۶۵۳ کتاب عبارت «می‌خواستم به رئیس سازمان صلیب سرخ نامه بنویسم» به «أَرَدْتُ أَنْ أَكْتُبَ رِسَالَةً لِرَئِيسِ مُنْظَمَةِ الصَّلِيبِ الْأَحْمَرِ» و همچنین در صفحه ۶۶۲ کتاب عبارت «اگه بخواید می‌تونید به سازمان مجاهدین خلق بپیوندید» به صورت «إِنْ أَرَدْتُمْ ذَلِكَ يُمَكِّنُكُمْ الْإِلْتِحَاقُ بِمُنْظَمَةِ مُجَاهِدِي خَلْقٍ» ترجمه شده است.

۳-۸ تغییرات یا جایگزینی‌ها (Shifts or transposition): «ترجمه همراه با تغییر شکل دستوری زبان مبدأ». مانند تغییر در جای صفت و موصوف یا تغییر از مفرد به جمع. مانند در صفحه ۶۰۰ کتاب عبارت «جلال لحمی برای تصدی وزارت آموزش و پرورش» به صورت «جلال لحمی لوزارۀ التّربیة و التّعلیم» ترجمه شده است. در این ترکیب به جای این‌که تعلیم و تربیت گفته شود، به دلیل اهمیت تربیت بر تعلیم مقدم شده است. و این تفاوت برخاسته از فرهنگ عرب است.

۳-۹ دگرگون سازی (وارو نهش) (Modulation): «تغییر در نقطه نظر، دیدگاه و غالباً تغییر در مقوله ذهنی». فرآیندهای دگرگون سازی - علت به جای نتیجه - جزء به جای کل - تغییر نمادها - معلوم به جای مجهول. مانند صفحه ۱۳ کتاب که عبارت «برایم جالب بود» به صورت «أَعْجَبَنِي هَذَا الْأَسْلُوبُ» ترجمه گردیده است.

۳-۱۰ ترجمه مقبول (Recognized Translation): «معمولاً باید برای هر واژه سازمانی از ترجمه رسمی یا ترجمه‌ای که مقبولیت عام دارد، استفاده کرد، و اگر مناسب نباشد، مترجم به‌طور غیر مستقیم، عدم موافقت خود را با ترجمه رسمی که از آن صورت گرفته است نشان می‌دهد». مانند صفحه ۲۸ کتاب که عبارت «اون روبرو دجله و فرات در هم ضرب می‌شوند و ارونند را تشکیل می‌دهند و میریزن توی خلیج فارس» به صورت «هناكَ يَتَقَاطَعُ دِجْلَةُ مَعَ الْفُرَاتِ لِشِكْلًا مَجْرَى (أرونند) ثُمَّ يَصُبَّانِ فِي الْخَلِيجِ الْفَارْسِيِّ» ترجمه شده است. مترجم متن مزبور به دلیل پذیرش اصطلاح خلیج فارسی از ترجمه آن به خلیج عربی پرهیز کرده است.

۱۱-۳ ترجمه موقت (Translation Label): «فرایند ترجمه موقت آن است که به صورت واژه سازمانی جدید صورت می‌گیرد و باید آن را داخل گیومه قرار داد تا در فرصت‌های بعدی عوض شود». مترجم در این شرایط به ترجمه تحت اللفظی روی می‌آورد. از آن‌جا که به نسخه دست نویس کتاب دسترسی نداریم، نمی‌توان برای ترجمه موقت مثالی ذکر نمود.

۱۲-۳ جبران (Compensation): «این فرایند هنگامی صورت می‌گیرد که نارسایی معنایی یا نقص در جلوه‌های آوایی و استعاره‌ها و تأثیر کاربردی بخشی از جمله در قسمتی دیگر از همان جمله یا در جمله مجاور آن جبران می‌گردد». مانند صفحه ۱۳ کتاب که عبارت «به اصفهان هم تلفن زدم و عصر برگشتیم واحد تخریب» به صورت «تَكَلَّمْتُ هَاتِفِيًّا مَعَ شَبَابِنَا فِي إِصْفَهَانَ، وَرَجَعْنَا عِنْدَ الْعَصْرِ إِلَى وَحْدَةِ التَّخْرِيْبِ» ترجمه شده است. در اینجا برای این که مترجم بتواند نارسایی معنایی که در جمله مبدأ وجود دارد را جبران نماید با اضافه کردن برخی عناصر زبانی دخیل در معنی به نقل مفهوم مورد نظر پرداخته است.

۱۴-۳ کاهش و بسط (Reduction and Expansion): «مترجم از روی حس تشخیص و صرافت در برخی موارد آن را به کار می‌بندد، اما در هر کدام از موارد، به‌ویژه اگر بد نوشته شده باشند، شاید نیاز نباشد دست کم یک تغییر صورت دهد». (Slovak, 2007, 15). این شیوه را نیومارک نمی‌پسندد. مانند صفحه ۴۴۸ کتاب که عبارت «سوله‌های ۳ و ۴ و ۵ در صد متری جنوب سوله‌های ۱ و ۲ قرار داشتند که با سیم‌های خاردار فشرده، از سوله‌های ۱ و ۲ جدا می‌شدند»، به صورت «أَمَّا الْعُنَابِرُ رَقْمَ ۳-۴-۵ تَفَعَّ عَلَى مَسَافَةِ ۱۰۰ م لِحْجَةِ الْجَنُوبِ، وَكَانَتْ مَفْصُولَةً بِأَسْلَاكِ شَائِكَةٍ كَثِيفَةٍ» ترجمه شده است. از روش موجود در موارد زیادی (به‌خصوص در پاورقی‌ها) توسط مترجم استفاده شده است، که در بعضی از آن‌ها نوعی ضعف و خلل در متن ترجمه به‌واسطه کاهش و بسط مشاهده می‌شود.

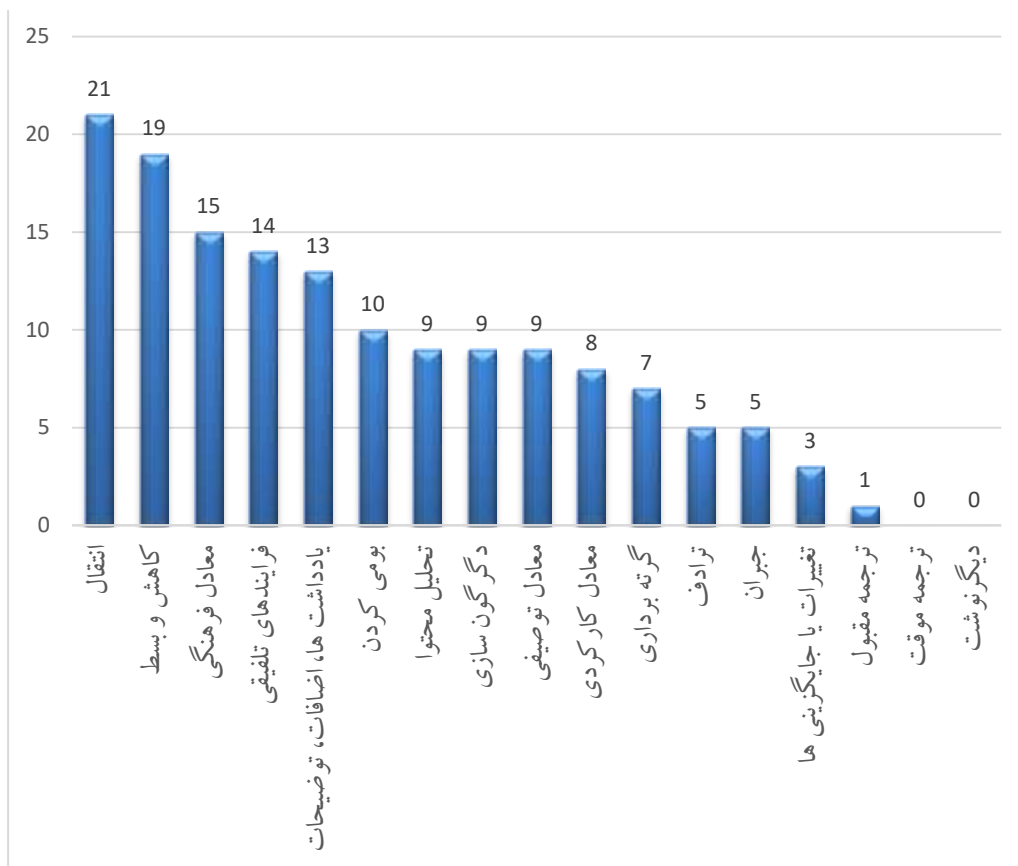
۱۵-۳ دیگرنوشت (Paraphrase): «شرح و بسط یا توضیح بخشی از متن. این فرایند در متون بی‌نامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که ضعیف و نارسا نوشته شده باشند یا معنای تلویحی داشته باشند و نکات مهمی حذف شده باشد». (که منظور از این سخن، نسخه‌های خطی است.) از آن‌جا که «کتاب پایی که جاماند» از این نوع متون نمی‌باشد لذا نمونه موردی برای این ترجمه صورت نگرفته است.

۱۶-۳ فرایندهای تلفیقی (Couplet): «فرایندهای دوگانه، سه‌گانه و چهارگانه را برای حل یک مشکل واحد با هم تلفیق می‌کنند؛ به عبارت دیگر، مترجم از چند روش به صورت همزمان برای انتقال یک عنصر فرهنگی استفاده می‌کند». مانند در صفحه ۱۵۳ کتاب عبارت «به سید محمد گفتم: سید! واقعاً لری غلیظ صحبت کنیم» به صورت «أَقُلْتُ لِلسَّيِّدِ مُحَمَّدٍ: يَا سَيِّدُ! هَلْ نَتَكَلَّمُ فِعْلًا بِاللُّغَةِ اللُّورِيَّةِ الْأَصْلِيَّةِ؟»

ترجمه شده که مترجم در پاورقی درباره «زبان لری» توضیح داده است: «إحدى اللغات المحلّية لدى سُكّان أحد الأقاليم في إيران، تَمَيَّزُ بِالْفَاظِهَا الْعَرَبِيَّةِ، يَصْعَبُ عَلَى غَيْرِهِمْ فَهْمُهَا». در این عبارت از دو روش توصیفی و انتقال استفاده شده است.

۱۷-۳ تحلیل محتوا (Componential Analysis): «در مواردی به‌کار می‌رود که احتمال دارد خواننده آن را نفهمد و به‌طور مثال با یک ترجمه جا افتاده یا با استفاده از فرایندهای انتقال، معادل کارکردی، فرهنگی و ... به کار می‌رود». مانند صفحه ۳۵۱ کتاب عبارت «به قول محمد باقر نمرودیم و آب عراق به بدنمان خورد: وکما كان "محمدٌ باقر" يقول: "لم يحرمنا الله من الاستحمام بمياه العراقيين!"» ترجمه شده است. در اینجا برای این‌که مترجم عبارت «نمرودیم و آب عراق به بدنمان خورد» را به مخاطب انتقال دهد از عبارت مناسب «لم يحرمنا» استفاده کرده است.

۱۸-۳ یادداشت‌ها، اضافات، توضیحات (Notes, Addition, glosses): «اطلاعات افزوده‌ای که مترجم باید به ترجمه اضافه کند و معمولاً توضیحات فرهنگی است». (که تفاوت میان فرهنگ زبان مبدأ و مقصد را مشخص می‌کند). مانند پاورقی صفحه ۱۱ کتاب، مترجم توضیحی را برای عنوان کتاب بیان می‌نماید. «پایی که جاماند» عنوان اصلی کتاب بوده و به عربی با نام «القدم التي بقيت هناك» ترجمه شده که مترجم در پاورقی اسم کتاب را به همان صورت اصلی نیز بیان می‌کند «الْقَدَمُ الَّتِي بَقِيَتْ». همچنین در صفحه ۳۵۴ عبارت «آقا سید ما فشنگ خشابیتیم» را به صورت «یا سید، نحن رصاصٌ سِلَاحِك» ترجمه نموده که در پاورقی به صورت «بالعامية: (خرطوش فردک) والمعنى "أنا خدامك"» توضیح داده است. ترجمه این عناصر فرهنگی با توجه به ۱۷ روش بیان شده می‌باشد. نمودار روش‌های مورد استفاده در ترجمه کتاب به قرار زیر است:



نمودار ۲: فرایندهای ترجمه عناصر فرهنگی

از نمودار فوق چنین برمی‌آید که مترجم از روش‌های انتقال، کاهش و بسط، معادل فرهنگی، یادداشت‌ها و بومی کردن بیشتر استفاده نموده است. کاربرد روش انتقال در ترجمه یک اثر می‌تواند نشان‌دهنده چند مسأله باشد. یکی این‌که مترجم تسلط کافی بر زبان مبدأ و مقصد نداشته و نتوانسته برابر نهادهای مناسبی برای واژگان پیدا کند. نکته دیگر این‌که امکان دارد نزدیکی ساختار زبانی و فرهنگی دو زبان مترجم را به سمت استفاده بیشتر از این روش سوق داده است. و مسأله سوم این‌که ممکن است تفاوت لایه‌های معنایی یک مفهوم در دو زبان دستیابی به برابرنهاد مناسب را امری دشوار کرده باشد. هر کدام از این عوامل و یا عوامل دیگری که بر ما پوشیده است نمی‌تواند دلیل موجهی برای فراوانی این روش باشد. در فرایند ترجمه اگر به انتقال مفهوم و جان‌مایه سخن باورمند باشیم نباید خود را در بند واژگان مشترک اسیر کرده، و چاره‌ای جز ترجمه لفظی واژگان نداشته باشیم. آنچه جای بسی نقد دارد این‌که بسیاری از مترجمان بی‌زحمت مطالعه دست به ترجمه زده و فقر ذخیره لغوی و آگاهی اندک از زبان مبدأ و مقصد آن‌ها را با چالش‌های سختی در ترجمه روبرو می‌سازد. هرچند ناگفته پیداست بافتار و ساختار متونی که ترجمه می‌شوند هم در تشدید این چالش‌ها بی‌تأثیر نیست.

نتیجه

مقوله اشاره‌ها و حرکات با بیست و سه مورد و مقوله بوم‌شناسی با بیست و یک مورد و مقوله فرهنگ مادی با بیست مورد پربسامدترین مقوله‌های فرهنگی نیومارک در متن ترجمه می‌باشند و مقوله‌های نهادها، آداب و رسوم با شانزده مورد و فرهنگ اجتماعی با چهار مورد در رتبه‌های بعدی قرار دارند. از میان هفده فرایند معرفی شده از سوی نیومارک، مترجم در کتاب «القدم التي بقيت هناك» از پانزده فرایند برای ترجمه این مقوله‌های پنج‌گانه استفاده نموده است، و بیشترین فرایند مورد استفاده توسط مترجم روش‌های انتقال، کاهش و بسط، معادل فرهنگی، یادداشت‌ها و بومی کردن می‌باشد. یکی از دلایل استفاده بیش از حد فرایند انتقال و بومی کردن توسط مترجم، بافتار متن اصلی و واژه‌های به‌کار رفته در آن می‌باشد که وی مجبور بوده آن‌ها را به زبان عربی برگردان نماید. از قبیل نام انسان‌ها و اسامی شهرها. اما از این مورد که بگذریم مترجم با استفاده از روش معادل فرهنگی، یادداشت‌ها و فرایندهای تلفیقی، یک ترجمه مخاطب محور را ارائه داده است. از نشانه‌های ضعف ترجمه استفاده بیش از حد از فرایند کاهش و بسط بوده و همچنین در مواردی انتخاب معادل‌های اشتباه، که این امر ناشی از عدم تسلط مترجم بر فرهنگ دفاع مقدس در زبان مبدأ می‌باشد.

منابع

الف. منابع عربی

برمن، أنطوان. (۲۰۱۰). *الترجمة والحرف أو مقام البعد*. ترجمة عز الدين الخطابي. بيروت: المنظمة العربية للترجمة.

مرکز نون للتأليف والترجمة. (۲۰۱۳). *القدم التي بقيت هناك* (الطبعة الأولى). بيروت: جمعية المعارف الإسلامية الثقافية.

نیومارک، پیتر. (۱۳۸۵). *الجامع في الترجمة* (حسن غزاله، مترجم). بيروت: دار و مكتبة الهلال.

ب. منابع فارسی

آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). *تحلیل گفتمان انتقادی: تکوین تحلیل گفتمان در زبان‌شناسی*. تهران: علمی و فرهنگی.

ایویر، ولادیمیر. (۱۳۸۵). *روش‌های ترجمه عناصر متفاوت فرهنگی* (سید محمدرضا هاشمی، مترجم). فصل‌نامه مترجم، ۱(۲)، ۳-۱۳.

حسینی‌پور، سید ناصر. (۱۳۹۰). *پایی که جا ماند: یادداشت‌های روزانه سید ناصر حسینی‌پور از زندان‌های مخفی عراق* (چاپ سوم). تهران: سوره.

روشنفکر، کبری، نظری منظم، هادی، و حیدری، احمد. (۱۳۹۲). چالش‌های ترجمه‌پذیری عناصر فرهنگی در *رمان اللص والکلاب نجیب محفوظ*: مقایسه دو ترجمه با تکیه بر چارچوب نظری نیومارک. مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۳(۸)، ۱۳-۴۳.

صلح‌جو، علی. (۱۳۷۶). *بحثی در مبانی ترجمه (مجموعه مقالات درباره ترجمه)* (چاپ چهارم). تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

علیزاده، علی. (۱۳۸۹). *مقوله‌ها و عناصر فرهنگی و چگونگی ترجمه آن‌ها در رمان گنسی بزرگ (کریم امامی، مترجم)*. پژوهش‌های ادبیات معاصر جهان، ۵۹(۱)، ۱-۲۰.

فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹). *تحلیل انتقادی گفتمان در عمل: تفسیر، تبیین و جایگاه تحلیل‌گر (فاطمه شایسته‌پیران و دیگران، مترجمان)*. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

متقی‌زاده، عیسی، و نقی‌زاده، سید علاء. (۱۳۹۶). *ارزیابی ترجمه متون ادبی فارسی به عربی بر اساس مدل کارمن گارسن: پیام رهبر انقلاب به مناسبت موسم حج ۱۳۹۶ برای نمونه*. دوفصل‌نامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۷(۱۶)، ۱-۲۰.

هاوس، جولیان. (۱۳۸۸). *مقدمه‌ای بر مطالعات زبان و ترجمه* (علی بهرامی، مترجم). تهران: رهنما.

ج. منابع لاتین

- Garcés, C. V. (1994). A methodological proposal for the assessment of translated literary works: A case study, *The Scarlet Letter* by N. Hawthorne into Spanish. *Babel*, 40(2), 77-102.
- Hatim, B., & Mason, I. (1990). *Discourse and the translator*. London: Longman.
- Newmark, P. (1988). *A textbook of translation*. New York: Prentice Hall International.
- Slováková, V. (2007). *Historical terminology in translation of non-fiction* [Unpublished bachelor's thesis]. Department of English and American Studies, English Language and Literature, Masaryk University.



دراسة الترجمة العربية للفئات والعناصر الثقافية في كتاب «القدم التي بقيت»

على اكبر نورسيده*^١، محمد مهدي صدراللهي^٢

^١ أستاذ مشارك، قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سمنان، سمنان، إيران.

^٢ ماجستير في الترجمة العربية، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة سمنان، سمنان، إيران.

الملخص

معلومات المقالة

أصبحت الترجمة من الفارسية إلى العربية اليوم ضرورة علمية وثقافية واقتصادية وسياسية وإعلامية وغيرها، وتلعب دورًا مهمًا في نقل ثقافتنا. وتتضاعف أهمية هذا الأمر عندما يكون هناك أدب مقاومة في الوسط، مما يؤكد على دور المترجم. وأفضل أداة لمعرفة الترجمة المناسبة هو تقييم البعد النوعي لها. أحد أعظم منظرى في الفترة العاصرة في مجال دراسات الترجمة هو بيتر نيومارك، الذي يمتلك نظرية شاملة تتعلق بترجمة العناصر الثقافية. يقسم الفئات الثقافية إلى خمس فئات ويقدم سبعة عشر عملية لترجمتها. في هذا البحث، وباستخدام المنهج الوصفي التحليلي وبالاعتماد على نظرية نيومارك للعناصر الثقافية، تمت دراسة المستوى النوعي لترجمة كتاب "القدم التي بقيت" (مذكرات السيد ناصر حسيني بور خلال الدفاع المقدس عن سجون العراق السرية). ونتيجة البحث الحالي هي أن قصة "القدم التي بقيت" تحتوي على جميع الفئات الخمس من الفئات الثقافية التي أرادها نيومارك، وقد استخدم المترجم أساليب النقل والتوطين والاختزال والتوسع والمعادل الثقافي والملاحظات لترجمة هذه القصة. ومع ذلك، فإن الإفراط في استخدام المترجم في استخدام أسلوب الاختزال والتوسع وفي بعض الحالات إيجاد مرادفات خاطئة يمكن اعتباره نقاط ضعف في الترجمة.

نوع المادة:

مقالة محكمة

تاريخ الوصول:

١٤٤٥/٠٩/٢٣

تاريخ القبول:

١٤٤٦/٠١/٠٦

الكلمات المفتاحية: الترجمة، العناصر الثقافية لنيومارك، أدب المقاومة، القدم التي بقيت.

الاقتباس: نورسيده، ع.ا.، صدر اللهي، م.م (١٤٤٦). دراسة الترجمة العربية للفئات والعناصر الثقافية في كتاب "القدم التي بقيت"، مقالة

Doi: 10.22034/jisall.2024.202516

محكمة، السنة ١، العدد ١، صص ١-٢٢.



حقوق التأليف والنشر © المؤلفون.

الناشر: جامعة زابل.

Qualitative Evaluation of the Arabic Translation of the Varieties and Cultural Elements of the Book “The Leg that Remained”

Ali Akbar Noresideh (corresponding author), Associate Professor,
Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature and
Humanities, Semnan University, Semnan, Iran. E-mail:
noresideh@semnan.ac.ir

Mohammad Mehdi Sadrullahi Master of Arabic language Translation,
Faculty of Literature and Humanities, Semnan University, Semnan, Iran.

Introduction

Language, as a system and structure, has various elements and parts that are influenced by social, cultural and other factors. For this reason, when the translator encounters an element of the source culture that has no equivalent in the target culture, he tries to transfer that element to the target language with various methods. The simplicity or difficulty of a translation depends on the degree of similarity between the source and destination cultures. When the translator encounters an element of the source culture that has no equivalent in the target culture, he tries to transfer that element to the target language with various methods. Usually, when the destination culture lacks the cultural element in the text, the language of that culture also lacks vocabulary to express this cultural element. Antoine Berman, a French translator, philosopher, historian and theoretician, whose theory about the unbalancing factors of translation is of great interest to researchers in the field of translation studies. Berman's theory is an originalist theory and is concerned with preserving the originality of the original text. In the late 1970s, a group of linguists following Holliday's Systemic-Functional school gathered at the University of East Anglia, England. In their studies about the use of language, they chose the approach of critical linguistics, and in their famous book, *Language and Control*, they used this term for the first time, which is based on Norman Fairclough's model.

Methodology

The research method in the current study is analytical-descriptive and in the form of a complete and line-by-line confrontation of the source text and the destination text, which can be seen better when presenting diagrams. First, case examples of Newmark's categories of cultural elements were extracted and the solutions provided to transfer these categories were introduced, and then it was examined which of the methods proposed by Newmark was used more by the translator in rendering these categories.

Results and Discussion

Many theorists have spoken about the issue of culture in the translation process, each of them has proposed methods for proper communication with cultural elements. Among the most popular theories in this field is "Peter Newmark's" theory of cultural elements. He introduced culture as follows: "I define culture as the way of life and its manifestations that are specific to a social group and use a specific language as a means of expression. In his opinion, cultural language is different from individual and global language. Words such as: "dying", "living", "star" and most man-made goods such as "mirror" and "table" etc. are universal words that there is no problem in their translation, but words such as "bungalow" , "Talitali" and... are words that are specific to certain cultures, there is a problem in translating cultural words, unless there is a cultural overlap between the source and destination languages and their readers. Newmark divides cultural categories into five categories:

- 1- Ecology: plants and animals of a land, ancient works of plains, plains, etc.
- 2- Material culture (artifacts): including: food, clothing, housing and vehicles.
- 3- Social culture: work and leisure, recreational and musical activities and national and traditional games of each nation.
- 4- Institutions, customs, activities, currents and concepts that include all visible and hidden social, legal, religious and artistic symbols and signs.
- 5- Gestures and gestures while speaking and habits, etc.

In this part of the research, we first mention several examples of Newmark's five categories in the order of frequency and frequency in book translation, then in the section on methods of translating cultural elements, we place each of these examples in front of the corresponding method. It should be said that due to the lack of identification of some of these samples with the seventeen methods, these samples may not be included among these methods.

Conclusion

- The category of gestures and gestures with twenty-three items, the category of ecology with twenty-one items, and the category of material culture with twenty-one are the most frequent Newmark cultural categories in the translation text, and the categories of institutions, customs and social culture are the sixteenth. They are in the next ranks with four items.
- Out of the seventeen processes introduced by Newmark, the translator in the book "Al-Qadam al-Ti Baqit Hanak" has used fifteen processes to translate these five categories, and the most used process by the translator is transfer, reduction and expansion methods, cultural equivalent, notes, and localization.
- One of the reasons for the excessive use of the transfer and localization process by the translator is the context of the original text and the words used

in it, which he had to translate into Arabic such as the names of people and the names of cities. But aside from this, the translator has provided an audience-oriented translation using the cultural equivalent method, notes and consolidated processes.

One of the signs of weakness in translation is excessive use of the process of reduction and expansion, as well as in some cases choosing wrong equivalents, which is caused by the translator's lack of mastery of the culture of sacred defense in the source language.

References

- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical discourse analysis: The formation of discourse analysis in linguistics*. Farhang-e Elmi. {In Persian}
- Alizadeh, A. (2010). Cultural categories and elements and their translation in *The Great Gatsby* translated by Karim Emami. *Research in Contemporary World Literature*, 59. {In Persian}
- Berman, A. (2010). *Translation and the profession, or the status of distance* (Ezzidine Al-Khatibi, Trans.). Arab Organization for Translation. (Original work published 2010). {In Arabic}
- House, J. (2009). *An introduction to language and translation studies* (A. Bahrami, Trans.). Rahnama. (Original work published 1997). {In Persian}
- Ivir, V. (1991). Methods of translating culturally divergent elements (S. M. R. Hashemi, Trans.). *Motarjem Journal*, 1(2), 3–13. {In Persian}
- Mottaqizadeh, E., & Naghizadeh, S. A. (2017). Evaluating the translation of Persian literary texts into Arabic based on Carmen Garcés' model (A case study of the Supreme Leader's Hajj message, 2017). *Research in Arabic Language and Literature Translation Studies*, 7(16). {In Persian}
- Newmark, P. (2006). *A comprehensive guide to translation* (H. Ghazaleh, Trans.). Dar Al-Hilal. (Original work published 1988). {In Arabic}
- Noon Center for Writing and Translation. (2013). *The foot that remained there* (1st ed.). Islamic Maaref Cultural Association. {In Arabic}
- Roshanfekar, K., Nazerimanzam, H., & Heidari, A. (2013). Challenges of translatability of cultural elements in Naguib Mahfouz's *The Thief and the Dogs*: A comparison of two translations based on Newmark's theoretical framework. *Translation Research in Arabic Language and Literature*, 3(8), 13–43. {In Persian}
- Solhjoo, A. (1997). *A discussion on the foundations of translation* (N. Pourjavadi, Ed.). University Publishing Center. {In Persian}